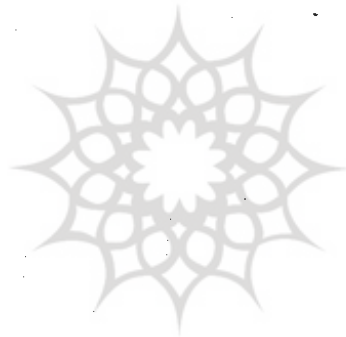


دکتر محمد رضا ضیائی بیگدلی

پیشکش گاہ علامہ اقبال  
پرنٹنگ

پرنٹنگ  
پرنٹنگ

رفتار با اسیران جنگی



پڙهه ښكاره علوم انساني او مطالعات فرېسنجی  
پرتال جامع علوم انسانی

## ● مقدمه

یکی از جنبه‌های بارز حقوق بشر در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی که عملاً نسبت به سایر مقررات مربوط از قدرت اجرائی بیشتری برخوردار است، قواعد حاکم بر رفتار با اسیران جنگی است. در این گفتار سعی ما بر این است تا عمده مسائل زیر را مورد بررسی قرار داده و پس از آن به یک نتیجه‌گیری اصولی دست یابیم:

۱. تحول تاریخی.

۲. منابع.

۳. چه کسانی اسیر جنگی محسوب می‌شوند؟

۴. وضعیت حقوقی اسیران جنگی. — جنبه‌های گوناگون این وضعیت عبارتند از: رفتار انسانی نسبت به اسیران؛ حفظ و نگهداری اسیران؛ اعلام مشخصات اسیران؛ ممنوعیت کشورها از اجبار اسیران به دادن اطلاعات؛ اعلام اسارت به کشور متبوع اسیران؛ شرایط زندگی در

اردوگاه‌های اسیران؛ اشتغال به کار اسیران؛ مصونیت اموال شخصی اسیران؛ اعطای کمک‌های مادی به اسیران؛ انجام فرائض و مراسم مذهبی اسیران؛ مکاتبات اسیران؛ منع گروگان‌گیری اسیران؛ اعمال حقوق مدنی از سوی اسیران؛ منع اقدامات تلافی‌جویانه نسبت به اسیران؛ شکایت اسیران از وضعیت اسارت؛ فرار اسیران.

۵. تدابیر انضباطی و کیفری در مورد اسیران جنگی.

۶. حمایت بین‌المللی از اسیران جنگی. - قدرت حامی

کیست؟؛ کشور حامی؛ کمیته بین‌المللی صلیب سرخ؛ نماینده متعهد اسیران؛ سازمان‌های بین‌المللی انسانی و بشردوستانه.

۷. پایان اسارت. - موجبات پایان اسارت: فوت اسیران؛ مبادله

اسیران؛ ضمانت یا قول اسیران؛ فرار اسیران؛ جراحی و بیماری شدید اسیران؛ پایان مخاصمات فعال.

## ۱. تحول تاریخی

در دوران باستان و قرون وسطی، اسیر جنگی معنی و مفهوم امروزی را نداشت. اسیران جنگی و یا بطور کلی شکست‌خوردگان در جنگ، محکوم به قتل یا بردگی بودند. بردگی اسیران بدینگونه بود که آنان از لحاظ جانی و مالی در اختیار شخص اسیرکننده و یا مقامات نظامی کشور اسیرکننده محسوب می‌شدند و ایشان می‌توانستند به هر نحو که مایل بودند با آنان رفتار نمایند. یونانیان حتی خشونت و بیرحمی را تا آنجا کشاندند که در مواردی اسیران را کور می‌کردند.

در این دوران، نمونه‌هایی از بازخرید اسیران، مخصوصاً شاهزادگان دیده می‌شود که تصویب آن معمولاً در انحصار پادشاه بود.

تاریخ گسویای این واقعیت تلخ است که رفتار یهودیان و مخصوصاً رفتار مسیحیان با اسیران جنگی در جنگ‌های صلیبی، رفتاری همراه با ایذاء و شکنجه بوده و حتی در بسیاری از موارد در عربستان قبل از

اسلام، اسیران را از دم تیغ می‌گذرانند. [اما] تاریخ اسلام مملو از جریانات و رویدادهائی است که بیانگر نحوه رفتار پسندیده و انسانی اسلام در قبال جنگجویان دشمن است که به اسارت نیروهای اسلام درمی‌آیند.<sup>۱</sup>

در مقابل این بینش انسانی اسلام، ویتوریا<sup>۲</sup> عالم مذهبی مسیحیت معتقد است که باید کلیه اسیران مسلمان را بدون استثنا کشت و زنان و فرزندان آنان را به بردگی درآورد.<sup>۳</sup>

رفتار غیر انسانی نسبت به اسیران جنگی تا قرن‌ها ادامه داشت و متأسفانه عقاید علمای حقوق بین الملل (مخصوصاً علمای غربی) توجیه کننده این اعمال بود. از جمله گروسیوس که به عنوان پدر حقوق بین الملل معروف است، نظرات جالب توجهی در این باب دارد: «سرنوشت اسیران جنگی شبیه بردگان است».<sup>۴</sup> «کسی که در جنگ اسیر می‌شود حق فرار ندارد».<sup>۵</sup>

بالاخره «تنها در پایان قرن هفدهم، یعنی پس از جنگ سی ساله [مذهبی در اروپا] بود که تعریف اسیر جنگی از نظر حقوقی مشخص شد».<sup>۶</sup>

## ۲. منابع

قواعد و مقررات حقوقی حاکم بر رفتار با اسیران جنگی تا مدت‌ها

۱. دکتر محمد رضا ضیائی بیگلری: اسلام و حقوق بین الملل، شرکت انتشار، تهران، ۱۳۶۵، ص ۱۷۴ و ۱۷۷.

2. Vittoria

۳. آرتور توسام: تاریخ مختصر حقوق بین الملل، زیر نظر دکتر احمد متین دفتری، تهران، امیرکبیر، ۱۳۳۷، ص ۱۱۸.

4. L. DELBEZ: les principes Generaux Du Droit International public, L.G.D.J. 3e ed, 1964, p. 533, 534.

۵. احمد رشید: اسلام و حقوق بین الملل عمومی، ترجمه دکتر حسین سیدی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۳، ص ۱۶۸.

6. CH. ROUSSEAU: le Droit Des Conflits Armés, A. Pedone, 1983, p. 85.

جنبه عرفی داشت؛ اما امروزه تابع نظامی است که بموجب اسناد بین‌المللی مهتی بطور صریح و روشن مشخص گردیده است. این اسناد عبارتند از:

— اعلامیه بروکسل ۱۸۷۴ (مواد ۲۳ و ۲۴).

— فصل دوم مقررات لاهه منضم به عهدنامه چهارم مورخ ۱۸ اکتبر ۱۹۰۷ (مواد ۴ تا ۲۰).<sup>۷</sup>

— عهدنامه ژنو مورخ ۲۷ ژوئیه ۱۹۲۹ در زمینه بهبود سرنوشت اسیران جنگی.

— عهدنامه سوم ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ در مورد رفتار با اسیران جنگی. این عهدنامه ضمن تأیید مقررات ۱۹۰۷ لاهه و عهدنامه ۱۹۲۹ ژنو، آنها را مورد تجدیدنظر قرار داده و تکمیل نمود. عهدنامه مذکور مشتمل بر حدود ۱۵۰ ماده است. هدف اساسی این قواعد «احتراز از کلیه اقداماتی است که جهت تضمین امنیت کشور متخاصم اسیرکننده غیر ضروری می‌باشد.»<sup>۸</sup>

«اندیشه اساسی که این مقررات از آن الهام گرفته این است که اسارت جنگی یک اقدام سرکوب کننده نیست، بلکه اقدامی احتیاطی و بازدارنده تلقی می‌شود که در مورد دشمنی که سلاح خود را بر زمین گذارده اتخاذ می‌گردد.»<sup>۹</sup>

عهدنامه سوم تا سال ۱۹۸۵ از تصویب ۱۵۷ کشور گذشته است.

— پروتکل‌های مورخ ۱۲ دسامبر ۱۹۷۷ الحاقی به عهدنامه‌های چهارگانه ۱۹۴۹ ژنو (پروتکل شماره یک در مورد حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و پروتکل شماره دو در مورد حمایت از

۷. این عهدنامه ۲۹ کشور را به یکدیگر پیوند می‌داد و قدرتهای بزرگ نظامی وقت چون اتحاد جماهیر شوروی و ژاپن عضو این عهدنامه نگردیدند. این عهدنامه صرفاً مربوط به اسیران سالم می‌باشد و اسیران مجروح یا بیمار، تابع مقررات خاصی هستند.

8. P. REUTER: Droit International public, thémis, 4e ed, 1973, p. 377.

9. CH. ROUSSEAU: op, cit, p. 90.

قربانیان مخاصمات مسلحانه غیر بین المللی). پروتکل شماره یک تا سال ۱۹۸۴ مورد تصویب ۴۲ کشور و پروتکل شماره دو تا سال ۱۹۸۲ مورد تصویب ۲۲ کشور قرار گرفته است.

۳. چه کسانی اسیر جنگی محسوب می شوند؟

• در مخاصمات مسلحانه بین المللی:

بموجب ماده ۴ عهدنامه سوم ژنو و بند ۱ ماده ۴۳ پروتکل شماره یک، اشخاص زیر در صورتیکه در حین مخاصمات مسلحانه بین المللی از سوی دشمن دستگیر شوند، اسیر جنگی به حساب می آیند:

— کلیه اعضای نیروهای مسلح منظم و سازمان یافته ای که تابع یک قدرت رسمی باشند.

— کلیه اعضای نیروهای مسلح غیر منظم، از جمله اعضای دسته های چریکی و پارتیزانی.

— اعضای نهضت های پایداری سازمان یافته ای که در خارج یا در داخل کشور خود فعالیت دارند.

— نظامیانی که در یک کشور بیطرف بازداشت شده اند، به شرطی که در آنجا وضعیت مناسبتری نسبت به کشور متخاصم نداشته باشند.

— نظامیانی که از حیث امنیتی از سوی کشور اشغالگر، به دلیل عضویتشان در نیروهای مسلح کشور اشغالی، توقیف شده اند.

— اشخاصی که در سرزمینهای اشغالی، داوطلبانه در کنار دشمن سلاح در دست می گیرند، بدون اینکه فرصت متشکل شدن به صورت ارتش منظم را داشته باشند.

— خدمه کشتیهای بازرگانی یا ناوهای هوایی غیر نظامی.

— خبرنگاران جنگی.

— مددکاران بهداری و مذهبی (ماده ۳۳ عهدنامه سوم).

در مقابل، افراد زیر حق برخورداری از وضعیت مربوط به اسیران

جنگی را ندارند: نظامیان مزدور، جاسوسان، خرابکاران. ۱۰ اتباع غیر نظامی دشمن نیز اسیر جنگی تلقی نمی‌شوند.  
در صورتیکه تردیدی در تعلق شخص به طبقات مذکور باشد، دادگاه صلاحیتدار وضعیت او را دقیقاً مشخص خواهد نمود. تا زمان صدور حکم، شخص یاد شده از حمایت مقررات عهدنامهٔ سوم برخوردار خواهد بود (مادهٔ ۵).

### • در مخاصمات مسلحانهٔ غیر بین‌المللی:

«اصولاً مقررات ناظر بر وضعیت اسیر جنگی در مخاصمات مسلحانهٔ غیر بین‌المللی ۱۱ اجرا نمی‌گردد. با این حال، مادهٔ ۳ مشترک عهدنامه‌های چهارگانه [۱۹۴۹] ژنو حداقل رفتار انسانی را در مورد اشخاصی که به دلیل بیماری، مجروح بودن، بازداشت یا هر دلیل دیگر از کار افتاده‌اند، تضمین می‌کند. از سوی دیگر، طرفین مخاصمه می‌توانند با انعقاد موافقتنامه‌های خاص، برخورداری از وضعیت اسیر جنگی را برای اشخاصی مذکور به رسمیت بشناسند. مادهٔ ۴، ۵ و ۶ پروتکل شمارهٔ دو قواعد تشکیل دهندهٔ «رفتار انسانی» را مشخص می‌نماید.» ۱۲

۱۰. «حکومت اسرائیل طی چند روز حق بازدید را برای کمیتهٔ بین‌المللی صلیب سرخ در مورد ۹۰۰۰ فلسطینی بازداشت شده در لبنان در ژوئن و ژوئیهٔ ۱۹۸۲ پذیرفت، به این تصور که اینان فقط خرابکار هستند و باید در دادگاههای عادی محاکمه شوند».

۱۱. اصطلاح «جنگ غیر بین‌المللی» شامل جنگ داخلی به معنی اخص کلمه (یعنی مخاصمات مسلحانه‌ای که در داخل قلمرو یک کشور روی می‌دهد)، جنگ میان اعضای یک کنفدراسیون کشوری، جنگ میان اعضای یک اتحاد شخصی، جنگ میان کشورهای حامی و کشور تحت حمایت، مبارزات مسلحانهٔ ملل تحت استعمار علیه کشورهای متروپل، مبارزات مسلحانه علیه اشغال نظامی خارجی، و بالاخره مبارزات مسلحانه علیه رژیمهای نژادپرست در جهت اجرای حق ملت‌ها در تعیین سرنوشت خود است.

12. M. TORRELLI: le Droit International Humanitaire, Que sais-je, 1985. p.55.



#### ۴. وضعیت حقوقی اسیران جنگی

اسیران جنگی از ابتدای دستگیری، ضمن پیروی از قوانین و مقررات و دستورات و فرامین کشور اسیر کننده (نه کسانی که آنان را مستقیماً دستگیر کرده‌اند) دارای وضعیت حقوقی خاصی می‌باشند. جنبه‌های گوناگون این وضعیت عبارتند از:

##### • رفتار انسانی نسبت به اسیران:

مقامات کشور اسیر کننده باید با اسیران جنگی، در هر زمان و تحت هر شرایطی درکمال انسانیت رفتار کنند و از اعمال هرگونه رفتار غیر انسانی از قبیل خشونت (به صورت شکنجه‌های جسمانی یا روانی وغیره)، تهدید، توهین، دخالت‌های رسمی نابجا و بالاخره غفلت غیرموجه که منجر به فوت آنان گردد و یا سلامتی آنها را دچار مخاطره سازد، پرهیز نمایند (ماده ۱۳ عهدنامه سوم). اسیران، برخوردار از احترام و شرافت و حیثیت شخصی هستند (ماده ۱۴ عهدنامه سوم) و بایستی با آنان بدون در نظر گرفتن نژاد، تابعیت و مذهب رفتار شود (ماده ۱۶ عهدنامه سوم). به گفته پرفسور روتر «بی اغراق می‌توان گفت که اسیران جنگی در کلیه موارد بجز مورد آزادی خروج از اردوگاهها، از همان رفتار انسانی مساعد برخوردارند که نیروهای مسلح کشور اسیر کننده»<sup>۱۳</sup>

کشور اسیر کننده مسئول رفتاری است که نسبت به اسیران جنگی صورت می‌گیرد (بند ۱ ماده ۱۲ عهدنامه سوم). در صورت بدرفتاری با آنان، کشور اسیر کننده مسئولیت بین‌المللی خواهد داشت (بند ۱ ماده ۱۲ و ماده ۱۲۹ عهدنامه سوم).

13. P. REUTER: op. cit, p. 377.

### • حفظ و نگهداری اسیران:

کشور اسیرکننده مکلف است اسیران جنگی را بلافاصله پس از اسارت، از صحنه عملیات جنگی تخلیه نموده و به پشت جبهه و نقاط امن منتقل نماید؛ سپس آنان را به اردوگاهها یا بازداشتگاههایی که به این امر اختصاص داده شده و داخل قلمرو کشور اسیرکننده (یا بیطرف) و کاملاً دور از منطقه نبرد است، اعزام کند تا در آنجا نگهداری شوند.

مسئولیت هر اردوگاه باید با یک افسر فرماندهی از جمعی نیروهای مسلح منظم کشور اسیرکننده باشد (ماده ۳۹ عهدنامه سوم). تأمین بودجه نگهداری اسیران نیز با کشور اسیرکننده است.

### • اعلام مشخصات اسیران:

اسیران جنگی به هنگام بازجوئی تنها مکلف به اعلام نام و نام خانوادگی، درجه نظامی، تاریخ تولد، شماره شناسائی و یا در صورت نداشتن شماره شناسائی، آثار هویتی مشابه آن می باشند (ماده ۱۷ عهدنامه سوم). در صورت خودداری اسیر از اعلام مشخصات، کشور اسیرکننده می تواند وی را از تمامی یا قسمتی از امتیازاتی که به سایر اسیران داده است، محروم نماید.

### • ممنوعیت کشورها از اجبار اسیران به دادن اطلاعات:

اعمال هرگونه فشار جسمانی یا روانی از سوی کشور اسیرکننده به اسیران جنگی جهت کسب هرگونه اطلاعات، ممنوع است (ماده ۱۷ عهدنامه سوم).

### • اعلام اسارت به کشور متبوع اسیران:

کشور اسیرکننده مکلف است هر مورد اسارت را از طریق دفاتر

اطلاعاتی - دفاتری که ایجاد آن الزامی است - به اطلاع کشور متبوع اسیران برساند.

### • شرایط زندگی در اردوگاههای اسیران:

شرایط زندگی مادی و معنوی در اردوگاههای اسیران باید متناسب با شئون آنان باشد تا سلامتی شان به نحو مطلوبی تأمین گردد. در این رابطه کشور اسیرکننده مسئول فراهم آوردن امکانات و وسایل لازم جهت رفاه اسیران در زمینه های مسکن، پوشاک، تغذیه و مراقبتهای بهداشتی و پزشکی است.

در مورد تغذیه، جیره غذایی روزانه اسیران باید از جهت کمی، کافی و از نظر کیفی، متنوع باشد (ماده ۲۶ عهدنامه سوم).

مقررات عهدنامه سوم مخصوصاً در زمینه تأمین بهداشت اردوگاه و مراقبتهای پزشکی تأکید خاصی دارد. «در زمینه پزشکی، اسیر باید همچون مجروحان و بیماران جنگی در هر شرایطی تحت مراقبتهای لازم پزشکی باشد. از سوی دیگر، کشور اسیرکننده بویژه نباید مانع از معاینه پزشکی اسیر شود. معاینات پزشکی باید حداقل هر ماه یکبار صورت گیرد. اسیرانی که مزاجشان نیازمند مراقبتهای ویژه است، باید به مؤسسات تخصصی انتقال داده شوند. کشور اسیر کننده باید قابلیت کاری اسیران را کنترل نماید.

چنانچه اسیر در شرایط خاصی فوت کند و یا مجروح شود، باید در این مورد تحقیقات بعمل آید.»<sup>۱۴</sup>

### • اشتغال به کار اسیران:

در مورد اشتغال به کار اسیران، در عهدنامه ۱۹۲۹ ژنو این موارد پیش بینی شده بود (مواد ۲۷ تا ۳۳): کشور اسیرکننده می تواند اسیران سالم،

14. M. TORRELLI: op cit, p. 56.

به استثنای افسران و هم‌ردیفان آنان را به عنوان کارگر به کار وادارد. درجه داران را تنها می‌توان به کارهای نظارتی مجبور ساخت. نوع کار اسیران باید متناسب با شرافت و سلامتی و درجه نظامی و قابلیت کاری افراد و در جهت حمایت آنان در مقابل دشمن باشد. در نتیجه، نوع کار نباید هیچگونه رابطه مستقیمی با عملیات نظامی از جمله ساختن یا حمل اسلحه یا مهمات و ملزومات جنگی داشته باشد.

«در جریان جنگ جهانی دوم در مورد تفسیر عبارت «کار در رابطه مستقیم با عملیات نظامی» مباحثات شدیدی در گرفت؛ زیرا خصیصه جنگ تا ۱۵ ۱۹۳۹ عملاً هر منبع اقتصادی متخاصمان را در جهت هدفهای نظامی شامل می‌شد...»<sup>۱۶</sup>

مشکلات ناشی از تفسیر عبارت مذکور و سایر ابهامات و نارسائیهای عهدنامه ۱۹۲۹ موجب گردید تا در مقررات عهدنامه سوم، قواعد دقیقی (در مواد ۴۹ تا ۵۷) در ارتباط با اشتغال به کار اسیران گنجانیده شود. در این عهدنامه، «برای آنکه کار [مجاز برابر مقررات عهدنامه] تغییر ماهیت ندهد و به بهره‌کشی غیر انسانی یا مشارکت غیر اخلاقی جهت تقویت نیروی جنگی کشور اسیرکننده نینجامد»<sup>۱۷</sup>، نوع کاری که اسیران مکلف به انجام آنند دقیقاً مشخص و معین گردید: امور خدماتی اردوگاهها، امور کشاورزی، امور صنایع تولیدی یا استخراجی یا کارخانه‌ای، امور حمل و نقل و بسته‌بندی کالاها، فعالیت‌های بازرگانی یا هنری، خدمات خانه‌داری و خدمات عمومی (مواد ۴۹ تا ۵۷).

هیچیک از کارهای مذکور نباید دارای خصیصه یا هدف نظامی باشد (ماده ۵۰).

۱۵. امروزه جنگهای زیر را «جنگ تام» می‌گویند:

الف. جنگهای جهانی (در مقابل جنگهای ناحیه‌ای و محلی).

ب. جنگهایی که عرصه نبردشان از قلمرو اختصاصی کشورهای متخاصم تجاوز کند.

ج. جنگهایی که کلیه افراد نظامی و غیرنظامی را دربر گیرد.

16. CH. ROUSSEAU: op, cit, p. 92.

17. M. TORRELLI: op, cit, p. 57.

در مقابل، بکارگیری اسیران در کارهای مضر، خطرناک (از جمله خنثی کردن مین) و توهین آمیز ممنوع است (ماده ۵۲). مبادرت به عملیات خطرناک چنانچه با رضایت کامل شخص اسیر باشد، مجاز است. در این حالت، اسیر باید یک دوره تخصصی را بگذراند و وسایل حمایت مناسب در اختیار داشته باشد.

اسیران در قبال کاری که انجام می دهند مستحق دریافت دستمزد و غرامت ناشی از بیکاری به گونه ای منصفانه و طبق معیارهائی مشخصی هستند.

ماده ۱۳۰ عهدنامه سوم، اجبار اسیر را به خدمت در نیروهای مسلح دشمن «جرم مهم» قلمداد کرده است.

#### • مصونیت اموال شخصی اسیران:

در دوران اسارت، اموال شخصی اسیران به استثنای سلاحهایشان، مصون از هرگونه تعرض و ضبط از جانب کشور اسیرکننده می باشد. در صورتیکه پول نقد داشته باشند و از آنان اخذ گردد، رسید آن باید داده شود.

#### • اعطای کمکهای مادی به اسیران:

اسیران حق دریافت کمکهای مادی (انفرادی یا دسته جمعی) از سوی هرکس یا هر کشور و یا هر سازمان و به هر طریقی را دارند. این کمکها می تواند مواد غذایی، پوشاک، دارو، کتاب و یا سایر لوازم مشابه باشد (ماده ۷۲ عهدنامه سوم).

#### • انجام فرائض و مراسم مذهبی اسیران:

اسیران با رعایت شرایط و مقررات انتظامی، در انجام فرائض و مراسم مذهبی خویش آزادند و کشور اسیرکننده نمی تواند مانع از اجرای این امور گردد (ماده ۳۴ عهدنامه سوم).

• مکاتبات اسیران:

اسیران پس از استقرار در اردوگاه یا بازداشتگاه، حق ارسال و دریافت مراسلات را دارند و مکاتبات آنان معاف از پرداخت هرگونه هزینه پستی است، ولی تابع مقررات سانسور از سوی کشور اسیرکننده می باشد (ماده ۷۰ عهدنامه سوم).

• منع گروگان گیری اسیران:

از اسیران نباید به عنوان گروگان جهت تحقق اهداف سیاسی استفاده شود.

• اعمال حقوق مدنی از سوی اسیران:

اسیران حق دارند در طول دوران اسارت، حقوق مدنی خود را حفظ و اعمال نمایند. این حقوق بدون قید حصر عبارتند از: حق ازدواج (اصالتاً یا وکالتاً)، حق وصیت (تهیه و تنظیم وصیتنامه)، حق طلاق (پس از طی تشریفات قانونی لازم)، حق انجام معامله (اصالتاً یا وکالتاً)، حق اعطای وکالت، حق انعقاد قرارداد.

• منع اقدامات تلافی جویانه نسبت به اسیران:

کشور اسیرکننده نباید هیچگونه اقدامات تلافی جویانه نسبت به اسیران معمول دارد. «این ممنوعیت به دلیل خصیصه نفرت انگیز خاص استعمال این شیوه علیه موجودات بلادفاع است.»<sup>۱۸</sup>

• شکایات اسیران از وضعیت اسارت:

اسیران حق دارند بدون هیچگونه محدودیتی جهت به نتیجه رساندن

18. CH. ROUSSEAU: op, cit. p. 91.

شکایاتی که نسبت به کیفیات اسارت دارند، به مقامات نظامی کشور اسیرکننده یا نمایندگان قدرتهای حامی، خواه با وساطت معتمد خود و خواه مستقیماً، مراجعه و درخواست رسیدگی نمایند (ماده ۷۸ عهدنامه سوم).

#### • فرار اسیران:

چنانچه اسیری، پس از به اسارت درآمدن یا در دوران بازداشت در اردوگاه، اقدام به فرار کند، از نظر حقوق جنگ عملی مذموم و زشت انجام نداده است، بلکه دقیقاً برعکس، عمل وی منطبق با شرافت نظامی و شهامت میهن پرستی بوده و حتی در بسیاری از مقررات نظامی برای رزمندگان خودی که اسیر می شوند به عنوان یک وظیفه ملی و میهنی تلقی شده است. البته این بدان معنی نیست که کشور اسیرکننده احتیاطات و پیشگیریهایی لازم را جهت مراقبت از اسیران معمول ندارد.

در نتیجه، چنانچه اسیری فرار کند و یا سعی در فرار داشته باشد، کشور اسیرکننده می تواند با استفاده از اسلحه مانع از این اقدام شود. استعمال اسلحه باید در مرحله آخر و پس از اخطار به تسلیم و عدم تسلیم فراری و با توجه به اوضاع و احوال صورت گیرد.

در صورتیکه اسیر فراری دستگیر شود، تنها مجازات قابل اجرا در مورد وی تنبیه انضباطی خواهد بود و این تنبیه فاقد هرگونه خصیصه کیفری است (ماده ۹۱ تا ۹۴ عهدنامه سوم).

#### • تدابیر انضباطی و کیفری در مورد اسیران جنگی:

برخورداری اسیران از حقوق انسانی بدین معنی نیست که آنان دارای مصونیت کیفری باشند، بلکه چنانچه عملی خلاف یا مجرمانه را مرتکب شوند، مستحق تنبیه انضباطی یا مجازات کیفری متناسب خواهند بود. اما اعمالی «خلاف» یا «جرم» محسوب می شود که ناقض مقررات حقوق بین الملل و قوانین و مقررات کشور اسیرکننده باشد (مشروط بر اینکه مقررات حقوق داخلی مغایر با مقررات حقوق بین الملل نباشد) و مقررات

مذکور صراحتاً برای آن اعمال، تنبیه یا مجازات متناسب تعیین کرده باشد. بموجب ماده ۸۹ عهدنامه سوم، تنبیهات انضباطی عبارت است از: جریمه، لغو امتیازات خاص، بیگاری و بالاخره بازداشت موقت. مدت بازداشت نباید از سی روز تجاوز کند.

جرایم و مجازاتهای کیفری، موضوع مواد ۹۰ تا ۱۰۸ عهدنامه سوم می باشد. در این مورد اصل مسلم این است که اعمالی باید قانوناً جرم و قابل مجازات محسوب شود که اگر این اعمال از سوی عضوی از نیروهای مسلح کشور اسیرکننده صورت می گرفت نیز قابل مجازات بود؛ از جمله قتل، سرقت، ضرب و جرح. با اینهمه کشور اسیرکننده باید حتی المقدور سعی نماید که به جای مجازاتهای کیفری، تنبیهات انضباطی را اعمال نماید.

تنبیهات انضباطی از سوی فرمانده مسئول اردوگاه، و مجازاتهای کیفری از طرف یک دادگاه نظامی و پس از دادرسی قانونی باید صادر و اعلام شود. متهم باید امکان دفاع از خود و برخورداری از مساعدت یک وکیل مدافع صلاحیتدار را داشته باشد. اسیر جنگی حتی در صورت محکومیت کیفری نیز تحت حمایت حقوق بین الملل باقی خواهد ماند.

مجازات مرگ تنها در صورتی قابل اجرا است که حداقل شش ماه از تاریخ صدور حکم آن سپری شده باشد.

احکام محکومیت باید به اطلاع قدرت حامی برسد. نماینده قدرت حامی حق حضور در جلسات دادگاه را خواهد داشت.

محکومیت اسیران به خلع یا تنزل درجه نظامی ممنوع می باشد (ماده ۴۹ عهدنامه سوم).

## ۶. حمایت بین المللی از اسیران جنگی

حقوق جنگ مسئله حمایت از اسیران را به عهده نهادی به نام «قدرت حامی» واگذار کرده است. در نتیجه، با نقشی که برای «قدرت حامی» شناخته شده، مقررات مربوط به رفتار با اسیران جنگی تضمین گردیده است. قدرت حامی در واقع کنترل کننده اجرای مؤثر مقررات



مربوط می‌باشد. به عبارت دیگر، این قدرت حامی است که کنترل می‌کند آیا کشور اسیرکننده با اسیران جنگی رفتار انسانی و موافق مقررات دارد یا خیر؟

اما این «قدرت حامی» کیست؟ مقررات عهدنامه سوم، این نقش را به ارکان گوناگونی محول کرده است: کشور حامی، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، نماینده معتمد اسیران و بالاخره هر سازمان بین‌المللی که دارای خصیصه انسانی و بشردوستانه است.

### • کشور حامی:

هریک از طرفین متخاصم، درحین مخاصمات مسلحانه بین‌المللی می‌تواند کشور بیطرفی را به عنوان «کشور حامی» معین و به طرف دیگر معرفی نماید. البته کشور بیطرف، خود نیز باید با این امر موافق باشد.

نقش کشور حامی در عهدنامه سوم، نسبت به عهدنامه ۱۹۲۹ بطور مشروح‌تری بیان شده است (مواد ۸، ۱۰، ۱۱، ۲۳ بند ۳، ۶۰ بند ۴، ۶۲ بند ۱، ۶۳، ۶۵، ۶۶ بند ۱، ۶۹، ۱۰۰، ۱۲۶، ۱۲۹).

وظیفه کشور حامی «حفاظت از منافع طرفین متخاصم» و نظارت بر اجرای عهدنامه می‌باشد. به بیان دیگر، هریک از کشورهای حامی، حافظ منافع کشور متخاصم انتخاب‌کننده خود نزد کشور طرف دیگر متخاصم می‌باشد. در اجرای این وظیفه هرکدام از طرفین، نمایندگان از میان مأموران دیپلماتیک یا کنسولی و یا اشخاصی از بین اتباع خود و یا سایر کشورهای بیطرف انتخاب و معرفی می‌نمایند. نمایندگان که از میان اتباع سایر کشورها انتخاب می‌شوند باید مورد قبول و تأیید کشور اسیرکننده باشند.

نمایندگان کشور حامی می‌توانند در هر زمان از اردوگاههای اسیران بازدید و آزادانه و بدون حضور ناظر، با اسیران گفتگو نمایند و در هر حال، از چگونگی رفتار کشور اسیرکننده با آنان آگاه گردند.

لغو این نوع بازدیدها تنها در صورتیکه ضرورت‌های نظامی اجتناب‌ناپذیر، آن‌هم به عنوان امری استثنائی و موقتی ایجاب کند، امکان‌پذیر می‌باشد.

اعلام طرفین متخاصم نسبت به عدم استفاده از مقررات مذکور، باطل و از درجه اعتبار ساقط است (بند ۵ ماده ۱۰ عهدنامه سوم).

#### • کمیته بین‌المللی صلیب سرخ:

«نهاد کشور حامی بدون عیب و نقص نیست و اساساً نحوه کار و فعالیت آن تغییر پذیر و متنوع است. کاهش رو به تزاید کشورهای بیطرف در جریان جنگ جهانی دوم و الزام به تعویض کشور حامی به هنگامی که کشور حامی، خود متخاصم گردد (وضعیت ایالات متحده آمریکا از سال ۱۹۱۷)، محدودیتهای این نهاد را آشکار می‌کند.»<sup>۱۹</sup>

ماده ۹ عهدنامه سوم نهاد دیگری را که وظیفه قدرت حامی را انجام می‌دهد پیش‌بینی کرده و آن «کمیته بین‌المللی صلیب سرخ» است. نمایندگان کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نیز چون نمایندگان کشور حامی حق بازدید دائمی از اسیران جنگی و بطور کلی نظارت بر اجرای مقررات عهدنامه سوم را دارا می‌باشند. بعلاوه، آنان می‌توانند زمینه ملاقات میان نمایندگان کشورهای ذینفع را در یک کشور بیطرف فراهم سازند. مداخله این کمیته منوط به حسن نیت و موافقت رسمی طرفین متخاصم است. \*

#### • نماینده معتمد اسیران:

رکن دیگری که عهدنامه سوم به عنوان «قدرت حامی» شناخته، نماینده معتمد اسیران است (مواد ۷۹ تا ۸۱). این رکن در عهدنامه ۱۹۲۹ نیز پیش‌بینی شده بود (مواد ۴۳ و ۴۴).

19. CH. ROUSSEAU: op. cit, pp. 95, 96.

\* در جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران نشان دادند که بیطرف نیستند. «مجله حقوقی»

نماینده معتمد، اسیری است که بنا بر اطمینان و اعتمادی که سایر اسیران نسبت به او دارند، وی را با رأی مستقیم به عنوان نماینده خود انتخاب و به مقامات کشور اسیرکننده، کشور حامی و کمیته بین المللی صلیب سرخ معرفی می‌کنند. این انتخاب باید مورد تأیید کشور اسیرکننده قرار گیرد. نماینده معتمد معمولاً قدیمی‌ترین و ارشد افسران اسیر جنگی اردوگاهها است. وظایف نماینده معتمد عبارت است از: مراقبت در آسایش اسیران، دخالت در توزیع کمکها، بازدید از اردوگاههای مختلف اسیران، انعکاس درخواست اسیران به مقامات کشور اسیرکننده و بالاخره همیاری با کشور اسیرکننده در حل مشکلات اسیران.

#### • سازمانهای بین المللی انسانی و بشردوستانه:

آخرین رکنی که نقش قدرت حامی را ایفا می‌کند، کلیه سازمانهای بین المللی انسانی و بشردوستانه است (ماده ۹ عهدنامه سوم). «این نوآوری تا به امروز از صورت نظری خارج نشده است.»<sup>۲۰</sup>  
 بطورکلی «امروزه تأسیس یک سازمان بین المللی دولتی خاص که بتواند وظایف قدرت حامی را برعهده گیرد، مورد بحث و گفتگو است.»<sup>۲۱</sup>

#### ۷. پایان اسارت جنگی

اسارت ممکن است در طول مخاصمه و یا پس از آن پایان پذیرد و اسیران به کشورشان مراجعت نمایند؛ اما این امر متوط به تحقق یکی از شرایط یا موجبات زیر نیز می‌باشد:

فوت اسیران، مبادله اسیران، ضمانت یا قول اسیران، فرار اسیران، جراحت یا بیماری شدید اسیران، و بالاخره پایان مخاصمات فعال.

20. CH. ROUSSEAU: op, cit, p. 96.

21. P. REUTER: op, cit, p. 378.

### ● فوت اسیران:

اسیران ممکن است در طول دوران اسارت به علل گوناگونی در اردوگاهها و بیمارستانهای دشمن فوت نمایند. مقررات مندرج در مواد ۱۲۰ و ۱۲۱ عهدنامه سوم ناظر بر این وضعیت و مسائل مربوط به آن است. از آن جمله: شرایط تنظیم و تدوین وصیتنامه و تحویل آن به کشور متبوع متوفی، تنظیم گواهی فوت، گواهی فوت باید در اولین فرصت ممکن جهت جمع آوری و انتقال اطلاعات مربوط به اسیران جنگی به دفاتر اطلاعاتی که بدین منظور در هر کشور متخاصم تأسیس می شود، ارسال و اعلام گردد. ایجاد یک اداره گورستان در هر کشور متخاصم جهت انجام کلیه امور مربوط به تدفین یا سوزاندن اجساد، تحقیقات احتمالی قدرت حامی در صورت وقوع مرگ مشکوک.

### ● مبادله اسیران:

مقررات عهدنامه سوم و بطور کلی قواعد قراردادی حقوق جنگ در این باب مسکوت مانده است؛ لیکن رویه عملی کشورها در طی قرون و اعصار نشانگر این است که مبادله اسیران مخصوصاً بیماران و مجروحان شدید و اعضای کادر بهداشتی، یکی از موجبات بسیار معمول ختم اسارت بوده است. این امر ممکن است ناشی از توافق و تراضی کتبی و مستقیم طرفین متخاصم به صورت موافقتنامه خاص یا پیمان موقت ترک مخاصمه بمنظور مبادله اسیران باشد و یا ناشی از مساعی جمیله قدرت حامی. نقشی که کمیته بین المللی صلیب سرخ قادر است در این مورد ایفا نماید، حائز کمال توجه است.

### ● ضمانت یا قول اسیران:

یکی دیگر از جهات پایان اسارت که منجر به آزادی اسیران در

حین مخاصمات می‌گردد ضمانت یا قول آنان است؛ بدین نحو که کشور اسیرکننده می‌تواند در چهار چوب قوانین و مقررات داخلی خود، کلیه اسیران یا عده‌ای از آنان را به قید ضمانت و یا تنها به صرف قول نبود ایشان آزاد کند و اجازه دهد که به کشورشان باز گردند. چنین اسیرانی باید تضمین و قول دهند که پس از آزادی، در مخاصمات فی مابین شرکت نخواهند کرد. این شیوه هر چند بسیار شرافتمندانه است، لیکن کارائی لازم را ندارد؛ زیرا اسیر چگونه می‌تواند تعهدی را بدهد که به احتمال بسیار زیاد قادر به انجام آن نخواهد بود؟ شرکت در جنگ، جز در موارد استثنائی، امری اجباری است و اراده و تمایل افراد نقشی در آن ندارد.

آزادی بنابر قول یا ضمانت، موضوع ماده ۱۰ تا ۱۲ مقررات ۱۹۰۷ لاهه و بند ۲ ماده ۲۱ عهدنامه سوم می‌باشد؛ اما عهدنامه ۱۹۲۹ در این مورد ساکت است.

#### • فرار اسیران:

فرار اسیران از اردوگاهها و بطور کلی از کشور متخاصم یکی دیگر از موجبات آزادی و خاتمه اسارت است. موضوع فرار اسیران قبلاً بررسی شد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مجمع علوم انسانی

#### • جراحت و بیماری شدید اسیران:

اسیرانی که در طی دوران اسارت، به گونه بسیار شدیدی مجروح و یا به بیماری سختی مبتلا می‌گردند، مخصوصاً آن دسته از مجروحان و بیمارانی که امکان مداوا و بهبود آنان نمی‌رود، باید سریعاً و هر چه زودتر (حتی الامکان) به کشورشان بازگردانده شوند. بدیهی است این امر نباید موجب بحرانی تر شدن حال مجروح یا بیمار شود. اتخاذ تصمیم در مورد آزاد کردن اینگونه اسیران با کمیسیون پزشکی مختلطی است که دارای سه عضو می‌باشد: یک نفر تبعه کشور بیطرف، یک نفر نماینده کمیته بین‌المللی

صلیب سرخ و بالاخره نفر سوم تبعه کشور اسیرکننده. قاعده بازگرداندن سریع مجروحان و بیماران شدید به کشورشان در جنگهای مهم پس از ۱۹۴۵ (جنگهای کره، ویتنام، اعراب و رژیم غاصب اسرائیل، عراق علیه جمهوری اسلامی ایران) به اجرا درآمد.

#### • پایان مخاصمات فغال:

کشور اسیرکننده مکلف است اسیران جنگی را بلافاصله پس از پایان مخاصمات فغال، آزاد نموده و به کشورشان بازگرداند (بند ۱ ماده ۱۱۸ عهدنامه سوم). اما سؤالی که از نظر حقوقی در اینجا مطرح می شود این است که مخاصمات فغال چه موقع خاتمه می پذیرد؟ پس از توافق در آتش بس، پس از انعقاد عهدنامه متارکه جنگ، یا بعد از برقراری و انعقاد پیمان صلح؟ آزادی و بازگرداندن اسیران به کشورشان در زمان آتش بس، که امری موقتی است، آزادی زودرس یا قبل از موقع می باشد؛ زیرا همواره احتمال از سرگیری مخاصمات وجود دارد و چه بسا بازگرداندن بسیار سریع آنان خطر تقویت نیروی نظامی دشمن را به همراه داشته باشد. از سوی دیگر، منوط کردن آزادی و بازگرداندن اسیران به انعقاد پیمان صلح، اسارت بدون هدف را استمرار می بخشد؛ چون تجربه نشان داده است که معمولاً فاصله نسبتاً زیادی میان قطع مخاصمات و انعقاد پیمان صلح وجود دارد. از این جهت، عهدنامه سوم، مقررات عهدنامه ۱۹۲۹ را که آزادی اسیران را مشروط به انعقاد پیمان صلح می کرد، مورد توجه قرار نداد.

در عصر حاضر، حتی گاهی از زمان امضای عهدنامه متارکه جنگ تا موقع انعقاد معاهده صلح نیز فاصله طولانی وجود دارد.

بنابراین می توان چنین نتیجه گرفت که «قبول یک مهلت محدود (از شش ماه تا دو سال پس از پایان مخاصمات) و تفسیر موسع و قابل انعطافی در مورد وضعیت افراد بازداشتی (بیماران، مجروحان، اسیران سالم، افراد غیر نظامی، مددکاران بهداری و مذهبی) یک اقدام معقول می باشد... بازگرداندن اسیران جنگی پاکستانی که از سوی هند بازداشت

شده بودند، تنها پس از امضای موافقتنامهٔ دهلی نو مورخ ۲۸ اوت ۱۹۷۳ آغاز شد و تا تاریخ ۳۰ آوریل ۱۹۷۴ ادامه داشت؛ درحالیکه مخاصمات از ۱۷ دسامبر ۱۹۷۱ خاتمه پذیرفته بود.»<sup>۲۲</sup>

اسیران جنگی که تحت تعقیب کیفری قرار می‌گیرند، تا پایان دادرسی و در صورت لزوم تا خاتمهٔ مدت مجازات در زندان باقی خواهند ماند و به کشورشان باز نخواهند گشت.

اما آیا اسیران جنگی آزاد شده بایستی علی‌رغم میل خود به کشورشان بازگردانده شوند؟ «موضوع به هنگام مذاکرات متارکهٔ جنگ میان کرهٔ شمالی و فرماندهی سازمان ملل متحد در کرهٔ جنوبی مطرح گردید. حکومت کرهٔ شمالی معتقد بود که طبق مادهٔ ۱۲۸ عهدنامهٔ ۱۹۴۹ ژنو بازگشت به وطن در تمامی حالات الزامی است. مجمع عمومی سازمان ملل متحد به دلایل انسانی و حقوقی استناد جست و این ادعا را رد کرد؛ زیرا مسلم است که بازگرداندن اجباری به وطن، کاملاً مغایر با آزادی است و نتیجهٔ آن این است که زندانی را از یک زندان به زندان دیگری می‌فرستد. از سوی دیگر، اسیر جنگی که بازگشت به کشور خویش را نمی‌پذیرد و به عبارت دقیق‌تر حاضر به جذب مجدد در کشور اصلی خویش نیست، فی الواقع از حق بازگشت خویش به وطن صرف نظر نمی‌کند، بلکه صرفاً از آن امتیاز استفاده نمی‌نماید.»<sup>۲۳</sup>

#### ● نتیجه گیری

وضعیت اسیران جنگی در روند تاریخ، تغییرات عمده‌ای به خود دیده است. دیرزمانی آنان در اختیار فاتحان جنگ بودند که می‌توانستند یا ایشان را به قتل برسانند و یا به بردگی بکشانند. حتی نظر برخی علمای مسیحی و دانشمندان حقوق بین‌الملل نیز مؤید اینگونه رفتار غیر انسانی

22. CH. ROUSSEAU: op, cit, p. 105.

23. L. DELBEZ: op, cif, p. 535.

نسبت به اسیران است. البته در این مرحله از تاریخ نباید دیدگاه انسانی رفتار با اسیران جنگی در اسلام را از نظر دور داشت.

بتدریج و مخصوصاً در قرن هفدهم و هیجدهم میلادی بود که اسیر جنگی در مهد اولیه حقوق بین الملل معاصر یعنی در قاره اروپا مفهومی حقوقی یافت. این امر در واقع مرهون نظرات بشر دوستانه دانشمندانی چون جان لاک انگلیسی، منتسکیو و ژان ژاک روسو فرانسوی می باشد.

حقوق حاکم بر رفتار با اسیران جنگی تا قبل از اعلامیه ۱۸۷۴ بروکسل و عهدنامه های ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه عمدتاً مبتنی بر عرف بود؛ اما امروزه عهدنامه های بین المللی در این مورد نقشی اساسی دارند که مهمترین آنها را می توان عهدنامه سوم ژنو مورخ ۱۲ اوت ۱۹۴۹ دانست.

طبق مقررات مذکور، اصولاً برخورداری از وضعیت اسیران جنگی، از لحظه اسارت تا پایان آن است. با اینهمه برخی از غیر نظامیان نیز می توانند از این وضعیت برخوردار شوند؛ از جمله خدمه کشتیهای بازرگانی یا ناوهای هوایی غیر نظامی، خبرنگاران جنگی و بالاخره مددکاران بهداشتی و مذهبی.

وضعیت حقوقی اسیران جنگی مشتمل بر جنبه های گوناگونی است: با اسیران باید با انسانیت رفتار شود؛ اسیران را باید در اماکن امن و دور از صحنه نبرد و در اردوگاههای مخصوص اسکان داد؛ اسیران را نمی توان وادار به اقرار و بیان اطلاعات و مطالبی نمود که خود مایل به دادن آن نیستند؛ هرگونه اسارتی باید به کشور متبوع اسیر اعلام شود؛ اسیران باید برخوردار از یک رفاه و آسایش مادی و معنوی نسبی باشند؛ بهداشت اردوگاهها و مراقبتهای پزشکی و درمانی و امدادهای مذهبی باید تأمین گردد؛ اسیران را می توان به کار متناسب با شأن و وضعیت جسمی آنان در قبال دریافت دستمزد واداشت، به شرطی که آن کار جنبه نظامی نداشته باشد؛ اموال شخصی اسیران (بجز سلاحشان) مصون از هرگونه تعرض است؛ اسیران برخوردار از آزادی انجام فرائض و مراسم مذهبی، فعالیت های فکری و ورزشی می باشند؛ اسیران حق برقراری مکاتبات را دارا هستند؛



گروگان گیری و هرگونه عمل تلافی جویانه و انتقامی و اعمال مجازاتهای دسته جمعی نسبت به اسیران ممنوع است؛ حقوق مدنی اسیران با اسارت ساقط نمی شود؛ حق شکایت برای اسیران در تمام طول دوران اسارت باقی است؛ مجازات اقدام به فرار صرفاً تنبیهات ساده انضباطی است.

شناخت حقوق انسانی برای اسیران به آنان مصونیت کیفری نمی بخشد، بدین معنی که اگر مرتکب عمل مجرمانه ای گردند، مجازات متناسب و قانونی را باید تحمل نمایند.

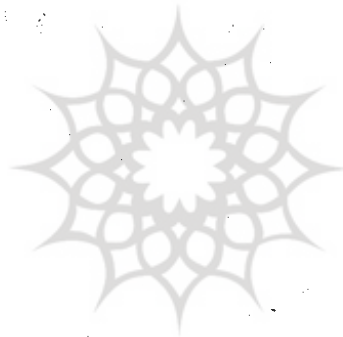
کنترل و نظارت بر کلیه امور اسیران با نمایندگان کشورهای حامی متخاصمان، نمایندگان کمیته بین المللی صلیب سرخ و بالاخره نماینده مورد اطمینان و اعتماد اسیران است.

اما چگونه اسارت پایان می پذیرد؟

در صورتیکه اسیر جنگی در سرزمین دشمن فوت نماید و یا براساس معامله متقابل، با اسیر جنگی کشور طرف مخاصمه مبادله شود و یا فرار نموده و از حیطة کشور اسیر کننده خارج گردد و یا بر اثر جراحت و بیماری شدید بطوریکه جانیه آزاد شود، اسارت پایان پذیرفته است.

در خاتمه، جامعه بشری را همواره این آرزو بوده است که نثار از میان ملت‌ها رخت بر بندد و جای خود را به دوستی، تفاهم و همزیستی مسالمت آمیز دهد تا کشورها مجبور نباشند به جای کوشش در راه توسعه و تکامل حقوق بین الملل و همزیستی مسالمت آمیز، تمامی توان و تلاش خود را برای وضع قواعد حقوقی ناظر بر جنگها بکار گیرند.

متأسفانه در عصر حاضر این امر آرزو و آرمانی بیش نیست. پس چون جنگ یک واقعیت تاریخی است، حقوق نیز باید آن را تحت نظم و کنترل درآورد؛ شاید بتوان از این طریق اندکی از مصائب بیشمار آن کاست و جامعه بشری را از انحطاط بیشتر بر حذر داشت.



پښتونستان ګاونډي علوم او مطالعات فرېسنس  
پرتال جامع علوم انساني